

Analyzing the Effect of Bank Exchange Contracts on the Value added of the Service Sector in Iran

Seyed Nezamuddin Makiyan *

Received: 2021/10/30

Mahdieh Dehghan Harati **

Accepted: 2021/12/20

Abstract


According to published statistics, the services and trade sector, with a share of more than 50%, has a significant role in GDP, so by strengthening it, it is possible to provide the basis for appropriate economic growth. According to the literature and researches, the method of financing economic activities, including the service and trade sectors, play an important role in facilitating economic growth. In this regard, this study has been written with the aim of investigating the effect of exchange contracts on the value added of the service sector. For this purpose, the variables of facilities granted in the form of exchange contracts to the service sector, per-capita labor force capital of the service sector, labor productivity in the service sector, facilities granted by other Islamic contracts to the service sector and the ratio of the real government expenditure to real GDP considered as independent variables. The value added of the service sector is also measured as a dependent variable. The period of investigation is from 1984 to 2019 and has an annual frequency in which data is analyzed using the ARDL regression model. The results show that in the long-run, the variables of per-capita labor force capital of the service sector, other exchange contracts facilities and the ratio of the real government expenditure to real GDP have a positive and significant effect on the value added of the service sector. In the short-run, all independent variables have a positive and significant effect on the value added of the service sector. However, the per-capita labor capital and the labor productivity in the service sector have the greatest impact on the value added of this sector, and other facilities has the least impact in the short-term on the growth of value added in this sector.


Keywords: Iran; Islamic Banking; Services Sector; Exchange Contracts
JEL Classification: O43, G2, E51

*Associate Professor in Economics, Economics Dept. Yazd University, Yazd, Iran
(Corresponding Author)

nmakiyan@yazd.ac.ir,

**Master in Islamic Finance, Economics Dept., Yazd University, Yazd, Iran
mah.dehghan@gmail.com

 0000-0002-8890-3890

 0000-0002-3140-0969

بررسی آثار عقود مبادله‌ای بانکی بر ارزش افزوده بخش خدمات در ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۰۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۲۹

سیدنظام‌الدین مکیان*

مهديه دهقان هراتی**

چکیده

طبق آمارهای منتشره، بخش خدمات و بازرگانی با سهم بیش از ۵۰ درصدی، نقش بارزی در GDP دارد که با تقویت آن می‌توان زمینه رشد اقتصادی مناسب را فراهم کرد. شیوه تأمین مالی فعالیت‌های اقتصادی از جمله بخش خدمات نقش به‌سزایی در تسهیل رشد اقتصادی دارد. در همین راستا این پژوهش با هدف بررسی تأثیر عقود مبادله‌ای بر ارزش افزوده بخش خدمات به رشته تحریر درآمده است. بدین منظور متغیرهای تسهیلات اعطایی در قالب عقود مبادله‌ای به بخش خدمات، سرمایه سرانه نیروی کار بخش خدمات، بهره‌وری نیروی کار در بخش خدمات، تسهیلات اعطایی توسط سایر عقود به بخش خدمات و نسبت مخارج حقیقی دولت به تولید ناخالص داخلی حقیقی به عنوان متغیرهای مستقل و ارزش افزوده بخش خدمات به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده‌اند. بازه زمانی مورد بررسی از سال ۱۳۶۳ تا ۱۳۹۸ که در آن با استفاده از مدل ARDL اقدام به تجزیه و تحلیل داده‌ها شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که در بلندمدت، متغیرهای سرمایه سرانه نیروی کار، سایر تسهیلات اعطایی به بخش خدمات و نسبت مخارج حقیقی دولت به تولید ناخالص داخلی حقیقی بر ارزش افزوده بخش خدمات تأثیر مثبت و معنی‌داری دارند. اما در کوتاه مدت، تمام متغیرهای مستقل تأثیر مثبت و معنی‌داری بر ارزش افزوده بخش خدمات دارند که سرمایه سرانه و بهره‌وری نیروی کار بخش خدمات بیشترین تأثیر و سایر تسهیلات اعطایی به بخش خدمات نیز کمترین تأثیر را بر رشد ارزش افزوده این بخش داشته‌اند.

واژگان کلیدی: ایران؛ بانکداری اسلامی؛ بخش خدمات؛ عقود مبادله‌ای.

طبقه‌بندی JEL: E51, G2, O43

nmakiyan@yazd.ac.ir

* دانشیار، گروه اقتصاد، دانشگاه یزد، یزد، ایران (نویسنده مسئول)

0000-0002-8890-3890

mah.dehghan@gmail.com

** کارشناس ارشد اقتصاد مالی اسلامی، گروه اقتصاد، دانشگاه یزد، یزد، ایران

0000-0002-3140-0969

مقدمه

آمارهای منتشره توسط مراجع رسمی بیانگر آن است که تولید سرانه حقیقی در سال ۱۳۹۸ به کمتر از مقدار خود در سال ۱۳۹۰ رسیده است (گزارش فصلی اقتصاد ایران، ۱۳۹۸). مؤلفه‌های گوناگونی در وقوع این وضعیت در اقتصاد ایران دخیل هستند. در این میان، تحریم‌های فروش نفت بیشتر خودنمایی می‌کند. مذاقه در آمارهای اقتصادی نیز تا حدودی مؤید این موضوع می‌باشد، به گونه‌ای که در سال‌های ابتدایی انعقاد پیمان برجام، که فروش نفت افزایش یافته است، رشد اقتصادی نیز مثبت است. مهم‌ترین شاهد مثال آن، سال ۱۳۹۴ است که ایران رشد بیش از ۱۱ درصدی را تجربه کرد که در حدود ۹ درصد آن، مربوط به رشد درآمدهای نفتی بوده است. با اوج‌گیری تحریم‌ها علیه ایران در دهه نود که مرتبط با برنامه هسته‌ای بود، ادبیات اقتصاد مقاومتی به عنوان راهکاری برای مقابله با تحریم‌ها در میان مسئولان و صاحب‌نظران رایج شد (جعفریه و داودی، ۱۳۹۳). از سویی دیگر، رهایی از اقتصاد نفتی، از جمله دغدغه‌های کارشناسان و مسئولان است. مجموع نکات فوق، اهمیت تمرکز بر رشد بخش‌های اقتصاد غیرنفتی را آشکار می‌سازد. با تدقیق در سهم بخش‌های اقتصادی می‌توان مشاهده نمود که بخش خدمات در سال‌های اخیر بیشترین سهم را در ارزش افزوده اقتصاد ایران داشته است. در سال ۱۳۹۸ سهم ارزش افزوده این بخش در کل اقتصاد معادل با ۵۶ درصد بود؛ یعنی بیش از نیمی از ارزش افزوده در بخش خدمات خلق شده است. هر چند در سال‌های تحریم، از سهم بخش خدمات تا حدود ۳ درصد کاسته شد، اما همچنان نقش بارزی در تولید ناخالص داخلی ایفا می‌کند. لذا، می‌بایست به دنبال عوامل مؤثر بر ارزش افزوده بخش خدمات بود تا بتوان زمینه لازم برای دستیابی به رشد اقتصادی توسط مؤلفه‌های درون‌زا و عبور از موانع برون‌زای رشد اقتصادی - نظیر تحریم‌ها - را فراهم نمود.

تزریق مناسب منابع پولی یکی از عواملی است که تسهیل‌کننده دستیابی به ارزش افزوده بالاتر می‌باشد. از یک سو به دلیل وجود موانع مختلف در مسیر رشد اقتصادی

نظیر تحریم‌ها و از سوی دیگر به خاطر پتانسیل‌هایی که بخش خدمات برای بهبود رشد اقتصادی دارد، تأمین مالی این بخش اهمیتی وافر می‌یابد. در ایران، تأمین مالی بخش تولید، از تنوع چندانی برخوردار نیست و طبق گزارش بانک مرکزی کشور، سیستم بانکی نقش اصلی را در تأمین مالی بخش‌های مختلف اقتصادی دارد (بانک مرکزی ایران، ۱۳۹۹). با تغییر قانون بانکداری ایران و حذف اعطای وام و اعتبار براساس قرارداد قرض با بهره، روش‌های دیگری برای تخصیص منابع جایگزین شد که در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان به چهار گروه قرض‌الحسنه، قراردادهای مبادله‌ای، قراردادهای مشارکتی و سرمایه‌گذاری مستقیم تقسیم کرد (موسویان، ۱۳۸۴). با توجه به مزیت‌هایی که عقود مبادله‌ای دارند، از جمله آن که این نوع عقود با ماهیت فعالیت‌های بانکی نیز همخوانی بیشتری دارند و اعطای تسهیلات در این قالب با آسانی بیشتری صورت می‌پذیرد (موسویان، ۱۳۸۵)، لذا می‌تواند به عنوان یک گزینه مناسب برای تزریق منابع مالی به بخش خدمات، نقش‌آفرینی بیشتری کند. لذا، مسئله تحقیق حاضر بررسی آثار عقود مبادله‌ای بر ارزش افزوده بخش خدمات در ایران است. نتایج تحقیق حاضر نیز می‌تواند در برنامه‌ریزی‌ها و اجرای سیاست‌های اقتصادی مربوط به بخش خدمات و نیز اشتغال مورد استفاده قرار بگیرد. در صورتی که فرضیه تحقیق تأیید شود و بتوان نشان داد که تأثیر عقود مبادله‌ای بر ارزش افزوده بخش خدمات در ایران مثبت و معنی‌دار است، با تخصیص تسهیلات عقود مبادله‌ای می‌توان زمینه بهتر رشد اقتصادی را فراهم کرد.

۱. مرور پیشینه‌ها

ارزش افزوده بخش‌های مختلف اقتصادی تحت تأثیر مؤلفه‌های گوناگونی قرار دارد. بررسی ادبیات نظری موضوع نشان می‌دهد که ارزش افزوده بخش‌های مختلف اقتصادی عمدتاً تحت تأثیر سه عامل سرمایه، نیروی کار و تکنولوژی قرار دارد (احمدزاده، ۱۳۸۸) و بخش خدمات نیز از این قاعده مستثنی نمی‌باشد. به نحوی که پژوهش‌های صورت گرفته در این حوزه حاکی از تأثیر معنی‌دار بهره‌وری نیروی کار، سرمایه و تکنولوژی بر

رشد اقتصادی این بخش می‌باشد (مولایی و همکاران، ۱۳۹۴). همچنین متغیر نسبت مخارج دولت (سرمایه‌گذاری بخش دولتی) به ارزش افزوده اقتصاد تأثیر مثبتی بر رشد ارزش افزوده اقتصادی دارد (لطفعلی‌پور و همکاران، ۱۳۹۰).

تشریح نقش بهره‌وری نیروی کار، پیوند تنگاتنگی با تأثیر عامل تکنولوژی در ارزش افزوده بخش خدمات دارد و این عامل را نیز می‌بایست یکی از عوامل مهم در این زمینه قلمداد کرد. در واقع این عامل از طریق کیفیت و توانمندی نیروی کار بر رشد بخش خدمات تأثیر می‌گذارد. بدین معنی که پیوند عامل فناوری با کیفیت نیروی کار، دانش و توانمندی استفاده از فناوری منجر به افزایش شاخص توسعه انسانی شده و نیروی کار متخصص و ماهر که محصول این آموزش می‌باشد از توانایی تولید و بهره‌وری بالاتری برخوردار است، لذا تأثیر مثبت و معنی‌داری بر ارزش افزوده بخش خدمات خواهند داشت (مولایی و همکاران، ۱۳۹۴). سرمایه نیز دیگر عامل کلیدی در گسترش ارزش افزوده بخش خدمات می‌باشد که از طریق تأثیر بر بهره‌وری نیروی کار تمهیدات رشد اقتصادی این بخش را فراهم می‌کند، لذا تأثیر مثبت و معنی‌داری بر ارزش افزوده بخش خدمات خواهند داشت (جهانگرد و سرآبادانی‌تفرشی، ۱۳۹۳). با توجه به اهمیت سیاست‌های پولی و مالی در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی، بررسی تأثیر این سیاست‌ها در مطالعات اقتصادی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. از اواخر دهه شصت میلادی بررسی تأثیر این سیاست‌ها به‌عنوان یک مسئله اقتصاد کلان، توجه اقتصاددانان بسیاری را به خود جلب کرده است و مطالعات متعددی در این زمینه در مورد کشورهای توسعه یافته صورت پذیرفته است که بیشتر آن‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که سیاست پولی دارای تأثیر نسبی بیشتری است؛ لذا متغیر نسبت مخارج دولت (سرمایه‌گذاری بخش دولتی) به ارزش افزوده اقتصاد تأثیر مثبتی بر رشد ارزش افزوده اقتصادی خواهد داشت (لطفعلی‌پور و همکاران، ۱۳۹۰).

به منظور دستیابی به رشد اقتصادی و ایجاد ارزش افزوده در بخش‌های مختلف اقتصاد، توسعه مالی کارآمد اهمیت می‌یابد که این موضوع برای اولین بار توسط شومپتر^۱ (۱۹۳۴) مورد بحث قرار گرفته است. در الگوی اصلی توسعه شومپتر، توسعه یافتگی یک اقتصاد، منوط به گسترش اعتبارات بانکی برای تأمین مالی طرح‌های صنعتی نوآوران است. همچنین محققانی چون مک کینون^۲ و شاو^۳ (۱۹۷۳)، کاپور^۴ (۱۹۷۶) و ماتیسون^۵ (۱۹۸۰) و لوکاس^۶ (۱۹۹۸) سیستم بانکی و تسهیلات را راهبردی برای دستیابی به رشد بخش‌های اقتصادی می‌دانند. در پژوهشی دیگر، لوین^۷ (۱۹۹۳) دریافت که توسعه مالی باعث افزایش ارزش افزوده اقتصادی است و سیاست‌هایی که توسعه مالی را ارتقاء می‌بخشند محرک رشد اقتصادی نیز هستند.

مطالعات صورت گرفته در این بخش نشان می‌دهد که تسهیلات از دو مجرا بر ارزش افزوده بخش خدمات تأثیر می‌گذارد. اول اینکه تسهیلات و اعتبارات، از مجرای نهاد تولید در فعالیت‌های اقتصادی وارد شده، باعث تسهیل مبادلات می‌شود و رونق اقتصادی ایجاد می‌کند و مجرای دیگر نرخ سود تسهیلات است که هزینه ایجاد ارزش افزوده را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بانک‌ها یکی از منابع اصلی تأمین مالی برای شرکت‌ها و بخش‌های اقتصادی محسوب می‌شوند که انجام مبادلات را تسهیل می‌کند. در صورتی که نیاز مالی بنگاه‌ها بیش از وجوه داخلی آن‌ها باشد و همچنین برای انجام سرمایه‌گذاری‌های جدید اقتصادی می‌توانند از تسهیلات بانکی استفاده کنند. در الگوی توسعه شومپتر، تسهیلات و اعتبارات بانکی به عنوان یک نهاد در تابع تولید مطرح می‌گردد (شومپتر، ۱۹۳۴)؛ اعتبارات و تسهیلات بانکی برای تأمین نهاده‌های مختلف تولیدی مانند نیروی کار، نهاده‌های سرمایه‌ای، فناوری و نیز خرید مواد اولیه مورد استفاده قرار می‌گیرند و از این جهت نیز، در ایجاد ارزش افزوده در اقتصاد نقش دارند. بدین صورت که بنگاه‌ها و واحدهای اقتصادی با دریافت تسهیلات در جهت بکارگرفتن بیشتر

عوامل تولید در جریان تولید و سرمایه‌گذاری حرکت می‌کنند، لذا انتظار می‌رود که ارزش افزوده نیز افزایش یابد.

دوم، اثر غیرمستقیم تسهیلات بر تولید در ارتباط با تأثیر سیاست پولی بر بخش حقیقی اقتصاد است که عموماً متغیر تولید بیش از سایر متغیرها مورد تأکید قرار می‌گیرد. در این راستا، متغیر نرخ بهره یکی از مهمترین متغیرهای مؤثر بر ارزش افزوده ارزیابی می‌شوند. در دیدگاه‌های مختلف اقتصادی بحث‌های بسیاری در ارتباط با چگونگی اثرگذاری تسهیلات و اعتبارات (پول و سیاست‌های پولی) بر متغیرهای واقعی از جمله تولید انجام شده است. از منظر کلاسیک‌ها و نئوکلاسیک‌ها که معتقدند پول در بلندمدت خنثی و بی‌اثر است و افزایش قیمت‌ها بر متغیرهای واقعی مانند تولید، اشتغال و دستمزد واقعی تأثیری ندارد. کینز برای اولین بار بازار پول را به عنوان محل تعیین نرخ بهره معرفی کرد و انگیزه‌های بورس‌بازی را در تقاضای پول وارد کرد و برخلاف نظر کلاسیک‌ها اعتقاد داشت که این بازار کاملاً از بازار کالا مجزا است و پول و سیاست‌های پولی از نظر کینز می‌تواند بر سطح تولید مؤثر باشد (منکیو، ۲۰۰۷). به عقیده فریدمن یا همان مکتب پولی، عرضه و تقاضای پول تعیین‌کننده درآمد ملی است و هرگونه تغییری در عرضه پول موجب تغییر ارزش اسمی تولید ناخالص ملی می‌شود. البته باید توجه داشت که در مکتب پولیون، افزایش حجم پول تنها در کوتاه‌مدت می‌تواند بر تولید ناخالص ملی اثر محسوس داشته باشد، اما در میان‌مدت و بلندمدت افزایش حجم پول تنها اثر تورمی دارد (فریدمن، ۱۹۶۲). کلاسیک‌های جدید نیز با در نظر گرفتن شکل‌گیری انتظارات به صورت عقلایی معتقدند که بنگاه‌ها و اشخاص برای تصمیم‌گیری‌های اقتصادی از تمام اطلاعات موجود برای پیش‌بینی‌های اقتصادی استفاده می‌کنند. در نتیجه، سیاست‌های پولی غیرانتظاری در کوتاه‌مدت بر سطح تولید مؤثر شود. در بلندمدت این سیاست‌ها بر سطح تولید بی‌تأثیرند (منکیو، ۲۰۰۷). کینزین‌های جدید نیز ضمن طرفداری از سیاست مالی معتقدند که می‌توان با انتظارات عقلایی، الگویی طرح کرد که در آن اعمال سیاست پولی

هماهنگ بتواند اقتصاد را به حالت تعادل برگرداند. براین اساس با اتخاذ سیاست پولی صحیح، قدرت وام‌دهی بانک‌ها افزایش می‌یابد. از این‌رو، وجوه لازم برای تأمین مالی بخش‌های اقتصادی افزایش می‌یابد و موجب افزایش تقاضای کل و در نهایت افزایش ارزش افزوده می‌شود.

در اقتصاد ایران نحوه‌ی تخصیص منابع در چهار دسته‌ی کلی شامل: قرض‌الحسنه، عقود مبادله‌ای، عقود مشارکتی و سرمایه‌گذاری مستقیم صورت می‌پذیرد. میزان سود (یا زیان) در عقود مشارکتی در طی زمان معلوم می‌گردد و بر اساس مشارکت بانک در کل یا بخشی از سرمایه مورد نیاز یک فعالیت اقتصادی (تولیدی یا خدماتی) استوار است و در پایان کار مطابق قراردادی که با صاحب کار اقتصادی منعقد شده، سود فعالیت مورد نظر بین دو طرف تقسیم می‌شود (رضوی، ۱۳۹۳، ص. ۲۰۸)؛ اما در عقود مبادله‌ای، این میزان در ابتدای قرارداد تعیین می‌گردد. اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه فاقد سود است. "قرض‌الحسنه عقدی است که به موجب آن، یکی از طرفین (قرض‌دهنده) مقدار معینی از مال خود را به طرف دیگر (قرض‌گیرنده) تملیک می‌کند که قرض‌گیرنده مثل و یا در صورت عدم امکان، قیمت آن را به قرض‌دهنده رد نماید (رضوی، ۱۳۹۳، ص. ۲۰۹)." سرمایه‌گذاری مستقیم دارای سود (یا زیان) متغیر می‌باشد و از این نظر مانند عقود مشارکتی است. سرمایه‌گذاری مستقیم نیز عبارت است از "تأمین سرمایه لازم جهت اجرای طرح‌های تولیدی و طرح‌های عمرانی انتفاعی توسط بانک‌ها (همان، ۲۰۸)." اما در عقود مبادله‌ای، بانک تمام یا قسمتی از سرمایه مورد نیاز یک فعالیت اقتصادی را تأمین می‌کند، تفاوت آن با عقود مشارکتی در این است که در این حالت، پیش از انجام فعالیت اقتصادی سود بانک معلوم است (همان). این دسته از عقود شامل عقدهای فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک، جعاله، خرید دین، استصناع و مرابحه می‌باشد. مطابق این عقود، بانک، کل یا بخشی از سرمایه مورد نیاز یک فعالیت اقتصادی را تأمین می‌کند، با این تفاوت که بعد از انعقاد قرارداد و قبل از انجام فعالیت اقتصادی، سود بانک معلوم

و معین است و تحولات آتی و تغییرات احتمالی در وضعیت مالی فعالیت مذکور (از جهت سود و زیان) ارتباطی به سود و مطالبات بانک در آن قرارداد ندارد. در جدول زیر کاربرد عقود با بازدهی ثابت آورده شده است.

جدول ۱. تخصیص منابع پولی (مطابق با قانون عملیات بانکی بدون ربا) عقود با بازدهی ثابت	
نام عقد	ویژگی
جماله	برای امور تولیدی، بازرگانی و خدماتی است. بانک به عنوان عامل یا عندالافتضا به عنوان جاعل مبادرت به جماله می‌نماید
سلف	مربوط به واحدهای تولیدی است. بانک اقدام به پیش‌خرید محصولات تولیدی واحد متقاضی می‌نماید
فروش اقساطی	جهت تأمین سرمایه در گردش واحدهای تولیدی، تهیه وسایل تولید و تهیه مسکن و مواد اولیه و لوازم یدکی و ابزارکار مصرفی و امور صنعت، معدن، کشاورزی و خدمات، ماشین‌آلات و تأسیسات لازم
اجاره به شرط تملیک	برای گسترش امور خدماتی، کشاورزی، صنعتی و معدنی بانک به عنوان موجر تسهیلات لازم را فراهم آورده و مبادرت به معاملات مذکور می‌نماید.
خرید دین	برای واحدهای تولیدی، بازرگانی و خدماتی است. سررسید اسناد و اوراق نباید بیش از یک سال باشد
مراجعه	جهت رفع نیاز واحدهای تولیدی، خدماتی و بازرگانی، بانک قیمت تمام شده و سود موردنظر از فروش کالا را به اطلاع مقاضی تسهیلات می‌رساند تا تصمیم به دریافت تسهیلات بگیرد یا منصرف شود
استصناع	بانک سفارش تولید کالا یا اجرای طرحی را در ازای پرداخت اقساط معین توسط متقاضیان تسهیلات می‌پذیرد. بانک در ازای عقد استصناع دیگری به عنوان سفارش‌دهنده با تولیدکننده وارد قرارداد شده و تولیدکننده کالای مورد نظر را برای بانک تولید کرده تا به شخص متقاضی تسهیلات ارائه دهد

منبع: رضوی، مهدی، بانکداری اسلامی در ایران (۱۳۹۳)، صص. ۲۰۸-۲۰۶) و موسویان، سیدعباس و میثمی، حسین (۱۳۹۵)، صص. ۱۸۲-۱۸۰)

بنا بر ماده ۱۴ قانون و آئین‌نامه اجرایی قانون عملیات بانکی بدون ربا، تسهیلات قرض‌الحسنه در زمینه‌هایی نظیر کمک به اشتغال و افزایش تولید در بخش‌های تولیدی، خدماتی، کشاورزی و دامپروری، رفع نیازهای افراد در زمینه‌هایی نظیر ازدواج، تهیه

جهیزیه، درمان، کمک هزینه تحصیلی و کمک برای ایجاد مسکن در روستاها اعطا می‌گردد. همان‌طور که ملاحظه شد، هر کدام از عقود در بخش‌های خاصی از اقتصاد نظیر کشاورزی، صنعت، مسکن و... قابلیت استفاده دارند و در سایر زمینه‌ها نمی‌توان استفاده کرد. به علت فقدان ابزارها و امکانات مناسب نظارتی بر نحوه اجرای پروژه‌های مشارکتی و بعضاً تحویل قراردادهای مشارکتی به قراردادهای مبادله‌ای با نرخ سود ثابت در مرحله محاسبه سود تسهیلات، شبکه بانکی را با شبهات و ریسک شریعت (ریسک عدم انطباق کامل عملیات بانکی با موازین شریعت) مواجه می‌سازد. این در شرایطی است که در نظام مالی اسلامی عقود انتفاعی مبادله‌ای با نرخ سود ثابت وجود دارد. در این دسته از عقود بانک می‌تواند نظارت را صرفاً بر محل و نوع مصرف تسهیلات محدود کند و نیازمند نظارت دائم و چندساله بر رفتار شریک در چگونگی پیشبرد طرح‌های اقتصادی نباشد. در این دسته از عقود مبادله‌ای از جمله اجاره، مرابحه، فروش اقساطی، جعاله، خرید دین و غیره، نهاد تأمین مالی‌کننده (ذیل قوانین بالادستی) می‌تواند نرخ سود را با توجه به وضعیت فعلی و آتی نرخ تورم و نرخ بازارهای رقیب تعیین کند. بنابر این عقود مبادله‌ای به لحاظ توصیه‌های بانک مرکزی و با توجه به موارد ذکر شده جایگاه مهمی در تأمین مالی اقتصاد ایران داشته و می‌بایست بدان بیشتر پرداخته شود. در ادامه به بررسی مطالعات داخلی و خارجی انجام شده در این موضوع پرداخته شده است.

جدول ۲. پیشینه مطالعات داخلی

ردیف	محتوا
۱	نویسنده: سیفی پور سال: ۱۳۸۹
	متغیرها: ارزش افزوده و اعتبارات عمرانی دولت و اشتغال در بخش صنعت و معدن، اعتبارات بانکی، سرمایه‌گذاری ثابت روش: VAR
	یافته‌ها: سرمایه‌گذاری ثابت و اعتبارات پرداختی به بخش صنعت و معدن رابطه بلندمدت و مثبتی با رشد ارزش افزوده بخش صنعت دارد
	نویسندگان: صمصامی و امیرجان سال: ۱۳۹۰

۲	متغیرها: تسهیلات بانکی، ارزش افزوده بخش صنعت و معدن، نیروی کار، سرمایه در گردش	روش: 3SLS
یافته‌ها: تسهیلات بانکی بر ارزش افزوده بخش صنعت و معدن به طور معنی دار و مثبتی مؤثر است		
۳	نویسندگان: اکبریان و جوکار	سال: ۱۳۹۳
متغیرها: تولید ناخالص داخلی، سرمایه سرانه کار، تسهیلات بانکی اسلامی، سهم سپرده‌های بانکی اسلامی، دارایی‌های بانک‌های اسلامی		
روش: OLS		
یافته‌ها: تأثیر بانکداری اسلامی بر رشد اقتصادی مثبت و معنی دار است		
۴	نویسندگان: محمدنژاد، فطرس و معصومی	سال: ۱۳۹۴
متغیرها: تکنولوژی، نیروی کار، سرمایه فیزیکی، انرژی، تسهیلات دریافتی، GDP نفت و گاز و بخش صنعت و کشاورزی		
روش: ARDL		
یافته‌ها: تسهیلات اعطایی، تأثیر مثبت و معنی داری بر رشد اقتصادی در بخش غیر نفتی اقتصاد ایران به ویژه کشاورزی دارد		
۵	نویسندگان: طاهرپور، محمدی و فردی کله‌رودی	سال: ۱۳۹۸
متغیرها: ارزش افزوده اقتصاد (تولید ناخالص داخلی)، تسهیلات بانکی و شاخص توسعه مالی		
روش: ARDL		
یافته‌ها: افزایش تسهیلات بانکی اثر مثبت و معنی داری روی رشد اقتصادی دارد		
۶	نویسندگان: مهرآرا، آیین و حکم‌اللهی	سال: ۱۳۹۸
متغیرها: تولید ناخالص داخلی، تسهیلات اعطایی بانک‌ها، تراز تجاری، نرخ سود تسهیلات واقعی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، تشکیل سرمایه ثابت ناخالص بعنوان شاخص بخش واقعی اقتصاد، متغیر دامی جنگ تحمیلی ایران		
روش: ARDL		
یافته‌ها: نتایج آماری حاکی از تأثیرگذاری مثبت متغیرهای تسهیلات اعطایی بانک‌ها، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و تشکیل سرمایه ثابت بر نرخ رشد اقتصادی و تأثیر منفی نرخ سود حقیقی برای تسهیلات بر نرخ رشد اقتصادی در ایران است		
۷	نویسندگان: فتحی آقابابا، عزیزی و محمودزاده	سال: ۱۳۹۹
متغیرها: نسبت نقدینگی و سرمایه‌گذاری به ارزش افزوده اقتصادی، ارزش افزوده و تسهیلات بانکی اعطایی به بخش خدمات، ساختمان و مسکن، کشاورزی و صنعت		
روش: گشتاورهای تعمیم یافته		
یافته‌ها: تسهیلات اعطایی تکلیفی و غیر تکلیفی، تأثیر مثبت و معنی داری بر ارزش افزوده بخش‌های اقتصادی دارد. نتایج آماری حاکی از تأثیرگذاری مثبت متغیرهای تسهیلات اعطایی بانک‌ها،		

<p>سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و تشکیل سرمایه ثابت بر رشد اقتصادی و تأثیر منفی نرخ سود حقیقی برای تسهیلات بر نرخ رشد اقتصادی است</p>
--

جدول ۳: پیشینه مطالعات خارجی

ردیف	محتوا
۱	نویسندگان: عبدوح و عمر ^۸ سال: ۲۰۱۲
	متغیرها: دارایی‌ها و بدهی‌های بانک، درآمدها به عنوان متغیرهای توضیحی و تولید ناخالص داخلی (GDP)
	روش: ARDL یافته‌ها: در بلندمدت و کوتاه‌مدت رابطه مثبت و معنی‌داری بین بانکداری اسلامی و رشد اندونزی مشاهده شده است.
۲	نویسندگان: حسن و مکاینده ^۹ سال: ۲۰۱۶
	متغیرها: تولید ناخالص داخلی (GDP)، وام‌های بانکی تجاری به بخش صنعت، تولید، کشاورزی و بخش‌های خدمات، سرمایه و نیروی کار
	روش: OLS یافته‌ها: فقط بخش کشاورزی از اعتبار بانکی برخوردار بوده و تأثیر مثبتی بر تولید ناخالص داخلی داشته است
۳	نویسندگان: کلیم، مشتاق و آرشد ^{۱۰} سال: ۲۰۱۶
	متغیرها: تسهیلات بانکی مختلف در عقود اسلامی، رشد اقتصادی در پاکستان
	روش: ARDL یافته‌ها: بین رشد اقتصادی و تسهیلات بانکی در قالب عقود اسلامی در پاکستان رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد.
۴	نویسنده: مصطفی ^{۱۱} سال: ۲۰۱۸
	متغیرها: رشد بخش صنعت، اعتبارات بانکی، تورم، تعداد شاغلان.
	روش: رگرسیون ساده یافته‌ها: رشد اقتصادی در بخش صنعت متأثر از اعتبارات بانکی تخصیص یافته به این بخش است. تورم و تعداد شاغلان از متغیرهای دیگری است که به طور یکسان بر رشد بخش صنعت اثر می‌گذارند
۵	نویسندگان: امام و کپودار ^{۱۲} سال: ۲۰۱۶
	متغیرها: ریسک عملیاتی، توسعه بانکداری اسلامی، عدم صرفه اقتصادی، باز بودن تجارت، تعداد مؤسسات، تولید ناخالص داخلی، شرایط تجاری

یافته‌ها: اعتبارات اعطا شده توسط بانک‌های تجاری اسلامی در رشد تولید ناخالص داخلی اثر مثبت و معنی‌داری دارد		
سال: ۲۰۱۸	نویسنده: تانگورای ^{۱۳}	۶
روش: پنل دیتا	متغیرها: تسهیلات بانکی اعطایی به بخش خصوصی، واردات کالای سرمایه‌ای، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی	
یافته‌ها: گسترش بخش بانکداری اثر مثبت و معنی‌داری بر رشد بخش صنعت دارد		
سال: ۲۰۱۹	نویسندگان: تیجانی و آوال ^{۱۴}	۷
روش: OLS	متغیرها: تولید ناخالص داخلی، شاخص FDI	
یافته‌ها: رابطه مثبت و معنی‌داری میان بانکداری اسلامی و رشد اقتصادی در بازار سرمایه و پول وجود دارد		
سال: ۲۰۲۰	نویسندگان: خوتیجه و ایسواناجی ^{۱۵}	۸
روش: OLS	متغیرها: عقد مرابحه، رشد اقتصادی بخش کشاورزی	
یافته‌ها: تأمین مالی مرابحه تأثیر معنی‌دار و مثبتی بر رشد اقتصادی بخش کشاورزی داشته است		
سال: ۲۰۲۰	نویسندگان: صدیق ^{۱۶} و همکاران	۹
روش: پنل دیتا	متغیرها: تولید ناخالص داخلی، عقود سلف، مرابحه، مشارکت، مناقصه، اجاره و استصناع	
یافته‌ها: متغیرهای اقتصاد کلان و تسهیلات پرداختی در قالب عقود اسلامی، تأثیر مثبت و معنی‌داری بر کاهش فقر و رشد اقتصادی دارد		

مطالعات تجربی صورت پذیرفته نیز نشان داد که ادبیات موضوع، در حوزه تجربی نیز صادق است. نتایج پژوهش‌های مذکور در حوزه جغرافیایی ایران نشان داد که اعطای تسهیلات بانکی بر ارزش افزوده بخش‌های اقتصاد، تأثیر مثبت و معنی‌دار دارد. با این حال این نکته وجود دارد که برخی از صاحب‌نظران معتقد بودند که در عمل، اعطای تسهیلات حقیقتاً براساس عقود اسلامی صورت نمی‌پذیرد. همچنین، به طور خاص بررسی تأثیر عقود مبادله‌ای بر ارزش افزوده بخش خدمات در اقتصاد ایران انجام نگرفته که این نوآوری مطالعه است. مطالعات خارجی نیز در دو دسته بانکداری متعارف و بانکداری اسلامی مورد بررسی قرار گرفت و نتایج آن‌ها مشابهت بالایی با مطالعات داخلی داشت.

۲. روش تحقیق

با توجه به مبانی نظری و مطالعات ارائه شده در بخش ۲، عوامل اثرگذار بر ارزش افزوده بخش خدمات شامل تسهیلات اعطا شده عقود مبادله‌ای، سرمایه سرانه نیروی کار در بخش خدمات، بهره‌وری نیروی کار در بخش خدمات به عنوان متغیرهای اصلی اثرگذار بر ارزش افزوده بخش خدمات و سایر تسهیلات بانکی و همچنین نسبت مخارج حقیقی دولت به تولید ناخالص داخلی حقیقی به عنوان متغیرهای کمکی مهم دیگر در مدل در نظر گرفته شدند. ارتباط بین ارزش افزوده بخش خدمات و متغیرهای توضیحی به شرح معادله زیر می‌باشد؛

$$(۱) GS_{it} = \alpha + \beta_1 EC + \beta_2 K + \beta_3 PL + \beta_4 EO + \beta_5 GTGDP + U_{it}$$

که با لگاریتم‌گیری طبیعی از طرفین معادله خواهیم داشت:

$$(۲) \ln GS_{it} = \ln \alpha + \beta_1 \ln EC + \beta_2 \ln K + \beta_3 \ln PL + \beta_4 \ln EO + \beta_5 \ln GTGDP + U_{it}$$

که در آن، GS نشان‌دهنده ارزش افزوده بخش خدمات، EC تسهیلات عقود مبادله‌ای اعطا شده، K بیانگر سرمایه سرانه نیروی کار در بخش خدمات، PL بهره‌وری نیروی کار در بخش خدمات، EO سایر تسهیلات اعطایی به بخش خدمات و GTGDP نسبت مخارج حقیقی دولت به تولید ناخالص داخلی حقیقی است.^{۱۷} از آنجا که در این تحقیق تأثیرگذاری متغیرهای توضیحی با وقفه و تاخیر مواجه‌اند، با توجه به رتبه مانایی داده‌ها با استفاده از مدل خود رگرسیون توزیعی با وقفه (ARDL) اقدام به تخمین مدل می‌گردد. پیش از برآورد مدل لازم است تا پایایی و همجمعی داده‌ها مورد آزمون قرار گیرد. در ادامه به بررسی آزمون پایایی دیکی فولر تعمیم‌یافته (ADF)^{۱۸} که در این پژوهش برای بررسی پایایی متغیرها استفاده شده، پرداخته می‌شود.

جدول ۴. نتایج آزمون پایایی متغیرها (ADF)

متغیر	مقدار آماره آزمون	سطح احتمال	وضعیت
$\ln GS$ ارزش افزوده بخش خدمات	-۴,۳۳	۰,۰۰۸	پایا $I(0)$
$\ln EC$ تسهیلات عقود مبادله‌ای	-۴,۷۳	۰,۰۰	پایا $I(1)$
$\ln EO$ سایر تسهیلات	-۵,۳۹	۰,۰۰	پایا $I(1)$
$\ln K$ سرمایه سرانه نیروی کار	-۳,۱۲	۰,۰۳	پایا $I(1)$
$\ln PL$ بهره‌وری نیروی کار	-۳,۰۸	۰,۰۰۳	پایا $I(1)$
$\ln GTGDP$ نسبت مخارج حقیقی دولت به تولید ناخالص داخلی حقیقی	-۶,۱۷	۰,۰۰۰	پایا $I(1)$

منبع: نتایج تحقیق

با بررسی آماره‌های آزمون‌های ریشه واحد نتیجه‌ای که می‌توان استنباط کرد این است که یکی از متغیرهای مورد بررسی در این تحقیق $I(0)$ و سایر متغیرها $I(1)$ هستند و در واقع با ترکیبی از متغیرهای $I(0)$ و $I(1)$ در این تحقیق مواجه هستیم و متغیری که دارای فرآیند $I(2)$ باشد وجود ندارد و تمام متغیرها حداکثر با یک مرتبه تفاضل گیری پایا می‌شوند. به این ترتیب آزمون هم‌جمعی ارائه شده توسط پسران، شین و اسمیت^{۱۹} (۲۰۰۱) که برای آزمون هم‌جمعی میان متغیرها یک فرآیند عمومی تر را در نظر گرفتند انجام شده است. روش اقتصادسنجی $ARDL$ نیز برای برآورد الگوی پیشنهادی این تحقیق مناسب‌ترین روش اقتصادسنجی خواهد بود. در این پژوهش برای بررسی هم‌جمعی میان متغیرها از آزمون کران‌ها^{۲۰} که توسط پسران، شین و اسمیت ارائه شده است استفاده می‌شود.

جدول ۵: آزمون باند

۹۹ درصد		۹۵ درصد		
$I(0)$	$I(1)$	$I(0)$	$I(1)$	
				کران بالا و پایین
۳,۰۶	۴,۱۵	۲,۳۹	۳,۳۸	مقادیر بحرانی
۵۵,۱۱۵				آماره F آزمون باند
K=۵, N=۳۲				

منبع: نتایج تحقیق

از آنجا که مقدار آماره آزمون باند از کران بالای آزمون در سطح اطمینان ۹۹ درصد بزرگتر است در نتیجه فرضیه صفر آزمون مبنی بر عدم وجود رابطه بلندمدت باثبات، رد می‌گردد. مدل تصحیح خطای شرطی که از مدل VAR (p) به دست آمده می‌تواند به شکل یک مدل خود رگرسیونی با وقفه‌های توزیعی از مرتبه p ، نشان داد. پسران و همکاران (۲۰۰۱) با این حال بیان می‌کنند که می‌توان مدل را با وقفه‌های متفاوت برای متغیرهای X و Y و به صورت ARDL برآورد نمود. برای وقفه بهینه در الگوی برآوردی از معیار شوارتز-بیزین استفاده شده است.

اکنون با اطمینان از صحیح بودن رگرسیون می‌توانیم روابط بلندمدت و کوتاه مدت را برآورد نماییم. اما پیش از این کار با استفاده از آزمون‌های تشخیصی صحت تصریح الگوها را ارزیابی می‌کنیم. برای این منظور از آزمون‌های خودهمبستگی بروش-پاگان^{۲۱}، آزمون واریانس ناهمسانی وایت^{۲۲}، آزمون نرمال بودن جاک-برا^{۲۳} بهره می‌بریم. نتایج آزمون‌ها در جدول ۶ ارائه شده است.

جدول ۶. آزمون‌های تشخیصی مدل

نوع آزمون	آماره آزمون	احتمال
همبستگی سریالی (LM)	۹,۳۵۵	۰,۲۲۵
ناهمسانی واریانس (White)	۰,۳۷۳	۰,۹۳۳
نرمال بودن (JB)	۰,۵۷۹	۰,۷۴۸

منبع: نتایج تحقیق

نتایج آزمون‌های تشخیصی نشان می‌دهند که فروض کلاسیک رگرسیون (شامل نرمال بودن پسماندها، نبود همبستگی پیاپی پسماندها و واریانس همسانی پسماندها) در مدل برقرار می‌باشد. در جدول ۷ نتایج برآورد رابطه بلندمدت به ترتیب گزارش شده است.

جدول ۷. ضرایب بلند مدت: متغیر وابسته: ارزش افزوده بخش خدمات در ایران

متغیر مستقل	عرض از مبدا	عقود مبادله‌ای	سرمایه سرانه نیروی کار	بهره‌وری نیروی کار	سایر تسهیلات	نسبت مخارج حقیقی دولت به GDP
مقدار ضریب	۱۲,۸۸۷	-۰,۰۵۵	۰,۳۹۷	-۰,۴۱۲	۰,۲۴	۰,۳۷
آماره t	۵۲,۴۷۲	-۳,۲۱۵	-۴,۲۸۴	-۲,۸۹۹	۱۱,۰۷۶	۴,۹۲۲
احتمال	۰,۰۰	۰,۰۴	۰,۰۲	۰,۰۶	۰,۰۰	۰,۰۱

منبع: نتایج تحقیق

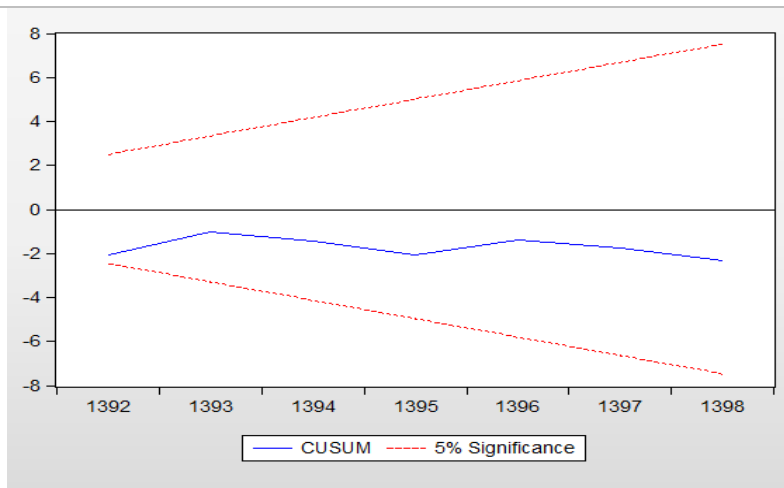
همانطور که در جدول ۷ مشخص است در برآورد بلندمدت این مدل در سطح احتمال ۹۵٪، متغیرهای سرمایه سرانه نیروی کار بخش خدمات، سایر تسهیلات و نسبت مخارج حقیقی دولت به GDP حقیقی تأثیر مثبت و معنی‌داری بر ارزش افزوده بخش خدمات دارند. اما، در بلند مدت تسهیلات اعطا شده عقود مبادله‌ای بر ارزش افزوده بخش خدمات بر خلاف مبانی نظری منفی و متغیر بهره‌وری نیروی کار بی‌معنی شده است، اما و بدلیل اینکه تسهیلات عقود مبادله‌ای بانک‌ها و حتی تسهیلات مضاربه‌ای (بر خلاف عقود مشارکتی) در طبقه‌بندی کوتاه‌مدت تأمین مالی قرار می‌گیرند، لذا، لازم است رابطه کوتاه‌مدت مدل بررسی شود. بنابراین، در این الگو پسماندهای رابطه بلندمدت با یک وقفه به رگرسیون تفاضلی اضافه می‌شود $(EC(-1))$ ، که معادله تصحیح خطا را شکل می‌دهد که در جدول ۸ گزارش شده است.

جدول ۸. معادله تصحیح خطا: متغیر وابسته: ارزش افزوده بخش خدمات در ایران

متغیر مستقل	عقود مبادله‌ای	سرمایه سرانه نیروی کار	بهره‌وری نیروی کار	سایر تسهیلات	نسبت مخارج حقیقی دولت به GDP
مقدار ضریب	۰,۱۰۶	۰,۳۲۹	۰,۳۰۷	۰,۰۰۸	۰,۱۳۴

منبع: نتایج تحقیق

آماره t	۱۲,۵۰۶	۴,۸۰۵	۶,۰۲۶	۱۲,۱۵۱	۶,۲۰۷
احتمال	۰,۰۰	۰,۰۱	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰
ضریب تعیین: ۰,۹۹ EC(-1) برابر ۰,۴-۱,۶۸E-					



نمودار ۱: آزمون cusum برای ثبات مدل منبع: نتایج تحقیق

همانطور که در نمودار شماره ۱ مربوط به آزمون cusum نشان می‌دهد، خط پسماندهای عطفی داخل محدوده سطح معنی‌داری قرار گرفته است که نشانگر وجود پایداری در پارامترهای مدل می‌باشد. به عبارت دیگر، تخمین‌های کوتاه‌مدت ضرائب می‌تواند برای پیش‌بینی مقادیر آتی بکار رود.

همانطور که در جدول ۸ نیز مشخص است؛ در برآورد کوتاه مدت، تمامی ضرایب در سطح احتمال ۹۵٪ معنی‌دار هستند. مقدار EC(-1) منفی و معنی‌دار و ضریب تعیین نیز ۰,۹۹ می‌باشد. با لحاظ نمودن لگاریتمی بودن داده‌ها و در چارچوب مدل این پژوهش و بازه زمانی مورد بررسی، یک واحد افزایش در متغیر تسهیلات عقود مبادله‌ای، منجر به ۰,۱۰۶ واحد افزایش در ارزش افزوده بخش خدمات، یک واحد افزایش در متغیر سرمایه سرانه نیروی کار منجر به ۰,۳۲۹ واحد افزایش، یک واحد افزایش در متغیر بهره‌وری نیروی کار منجر به ۰,۳۰۷، یک واحد افزایش در متغیر سایر تسهیلات منجر به ۰,۰۸

واحد افزایش در ارزش افزوده و یک واحد افزایش در متغیر نسبت مخارج حقیقی دولت به GDP منجر به ۰,۱۳۴ واحد افزایش در ارزش افزوده بخش خدمات شده است. پس از بررسی نتایج موجود این نتیجه حاصل می‌شود که در میان متغیرهای مستقل مدل در کوتاه مدت، سرمایه سرانه نیروی کار بخش خدمات بیشترین تأثیر کوتاه مدت را بر متغیر وابسته این تحقیق یعنی ارزش افزوده بخش خدمات (GS) داشته است.

۳. نتیجه گیری

باتوجه به یافته‌های پژوهش، در بلندمدت رابطه‌ی مثبت و معنی‌دار بین سرمایه سرانه نیروی کار بخش خدمات، تسهیلات اعطایی توسط سایر عقود به بخش خدمات و نسبت مخارج حقیقی دولت به تولید ناخالص داخلی حقیقی با ارزش افزوده بخش خدمات وجود دارد، بدین معنی که افزایش در آن‌ها می‌تواند منجر به افزایش ارزش افزوده بخش خدمات شود. اما، رابطه میان تسهیلات اعطایی در قالب عقود مبادله‌ای به بخش خدمات با ارزش افزوده بخش خدمات منفی شده است. همچنین، رابطه بین بهره‌وری نیروی کار در بخش خدمات و ارزش افزوده ایجاد شده در بخش خدمات بی معنی شده است، لذا، بخاطر اینکه تسهیلات عقود مبادله‌ای در طبقه‌بندی کوتاه مدت تأمین مالی بانک‌ها قرار می‌گیرد، لازم است رابطه کوتاه مدت متغیرهای مستقل با متغیر وابسته مورد ملاحظه قرار گیرد. همان طور که از مدل تصحیح خطا که مربوط به رابطه کوتاه مدت است و در جدول شماره ۸ مشهود است رابطه تمامی متغیرهای توضیحی با ارزش افزوده ایجاد شده در بخش خدمات مثبت و معنی‌دار شده است.

با توجه نتایج مدل تصحیح خطا، تسهیلات اعطایی در قالب عقود مبادله‌ای تأثیر مثبت بر ارزش افزوده بخش خدمات داشته، لذا توصیه می‌شود که برای رشد ارزش افزوده بخش خدمات، توجه بیشتری به عقود مبادله‌ای در دستور کار سیاست‌گذاران بانکی قرار بگیرد. همچنین، این مطالعه نشان داد که سرمایه سرانه نیروی کار و بهره‌وری نیروی کار در بخش خدمات تأثیر قابل توجهی بر ارزش افزوده بخش خدمات داشته‌اند،

لذا پیشنهاد می‌شود که با ایجاد بستر لازم این دو متغیر مورد ملاحظه بیشتری قرار گیرند تا زمینه رشد مناسب‌تر در ارزش افزوده بخش خدمات فراهم شود. رابطه مثبت میان مخارج دولت به GDP با ارزش افزوده بخش خدمات نیز نشان می‌دهد که نحوه نقش‌آفرینی دولت در اقتصاد تأثیر مثبتی بر رشد ارزش افزوده این بخش دارد، لذا بهبود نقش‌آفرینی دولت و کیفیت خدمات ارائه شده از جمله مواردی است که می‌بایست مورد توجه برنامه‌ریزان باشد.

یادداشت:

1. Schumpeter
2. McKinnon
3. Shaw
4. Kapur
5. Mathieson
6. Lucas
7. Levin
8. Abduh and Omar
9. Hassan and Makinde
10. Kalim, R., Mushtaq, A. and Arshed, N.
11. Mustafa, H. W.
12. Patrick Imam and Kangni Kpodar
13. Tongurai
14. Tijjani and Auwal
15. Khotijah, S. A., & Iswanaji, C.
16. Siddique, M.A.
۱۷. داده‌های مورد استفاده در این پژوهش از سالنامه‌های آماری مرکز آمار ایران و پایگاه داده‌های بانک مرکزی ایران به صورت سالانه، از سال ۱۳۹۸-۱۳۶۳ جمع‌آوری گردیده است.
18. Augmented Dickey Fuller
19. Pesaran, Shin and Smith
20. Bounds Test
21. Breusch-Godfrey Serial Correlation Test
22. White Heteroskedasticity Test
23. Jarque-Bera Test

کتابنامه:

- احمدزاده، اکبر و عیسی زاده، سعید (۱۳۸۸). بررسی اثر عوامل نهادی بر رشد اقتصادی با تأکید بر نهادهای حاکمیتی، پژوهش‌های اقتصادی ایران، ۱۳ (۴۰)، ۱-۲۸.
- اکبریان، رضا و جوکار. خدیجه (۱۳۹۳). تأثیر بانکداری اسلامی بر رشد اقتصادی، نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی، ۳ (۷)، ۷-۴۰.
- جعفری صمیمی، احمد، یحیی زاده‌فر، محمود و نجف‌پور، آرش (۱۳۹۵). تأثیر بانکداری اسلامی بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب، کنفرانس بین‌المللی تحقیق و توسعه در علوم انسانی، مدیریت و اقتصاد.
- جعفریه، فاطمه سادات و داودی، پرویز (۱۳۹۳). نگرشی نهادی بر ساختارسازی قدرت در عرصه داخلی برای نیل به اقتصاد مقاومتی، فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه، ۳ (۱۲۶)، ۱۷۲-۱۵۱.
- جهانگرد، اسفندیار و سرآبادانی تفرشی، سعیده (۱۳۹۳). بررسی عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر بیماری سل در استان‌های ایران (رهیافت داده‌های تابلویی پویا). فصلنامه علمی-پژوهشی مدل‌سازی اقتصادی ۸ (۲۶)، ۲۱-۳۶.
- دادمرزی، سید مهدی. (۱۳۷۹). مفهوم عقد در قانون مدنی، پژوهش‌های فلسفی کلامی، (۴)، ۱، ۷۴-۵۹.
- رضوی، مهدی و همکاران (۱۳۹۵). بانکداری اسلامی در ایران: تاریخچه عملکرد و برنامه‌ریزی، تهران: مؤسسه آموزش عالی بانکداری ایران.
- سیفی پور، رویا (۱۳۸۹). بررسی تجربی تأثیر سطح توسعه مالی بر رشد اقتصادی، مجله دانش مالی تحلیل اوراق بهادار، ۳ (۶)، ۴۹-۷۰.
- صمصامی، حسین و امیرجان، رضا (۱۳۹۰). بررسی اثر تسهیلات بانکی بر ارزش‌افزوده بخش صنعت و معدن، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، ۱۹ (۵۹)، ۱۲۹-۱۴۹.

بررسی آثار عقود مبادله‌ای بانکی بر ارزش... / سید نظام‌الدین مکیان، مهدیه دهقان هراتی *مطالعات اقتصاد اسلامی* ۴۶۱

طاهرپور، جواد؛ محمدی، تیمور و فردی کلهرودی، رضا (۱۳۹۸). تأثیر توزیع تسهیلات بانکی بر رشد اقتصادی ایران؛ با تأکید بر عقود مشارکتی و مبادله‌ای، *مطالعات اقتصاد اسلامی*، ۱۲ (۱)، ۱۵۱-۱۷۶.

فتحی آقابابا، محسن؛ عزیزی، خسرو و محمودزاده، محمود (۱۳۹۹). بررسی آثار تسهیلات بانکی بر رشد اقتصادی (رهیافت حالت پایدار). *فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، ۲۸ (۹۴)، ۲۰۳-۲۲۳.

گزارش آمارهای اقتصادی (۱۳۹۹). بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

گزارش فصلی اقتصاد ایران (۱۳۹۸). مرکز آمار ایران.

لطفعلی پور، محمدرضا؛ آذرین فر، یدالله و محمدزاده، رؤیا (۱۳۹۰). بررسی تأثیر مخارج دولت بر رشد بخش کشاورزی و کل اقتصاد ایران، *اقتصاد و توسعه کشاورزی*، ۲۶ (۲)، ۸۶-۹۶.

محمدنژاد، نیما؛ فطرس، محمد حسن و معصومی، محمدرضا (۱۳۹۴). تحلیل ارتباط بین اعتبارات بانکی و رشد اقتصادی، *اقتصاد پولی مالی*، ۲ (۱۰)، ۱-۲۱.

منکیو، گریگوری (۲۰۰۷)، *اقتصاد کلان*، (ترجمه پارسائیان، علی و همکاران)، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.

مهرآرا، محسن؛ آیین، سهیل و حکم‌اللهی، یاسمن (۱۳۹۸). اثر تسهیلات اعطایی و نرخ سود حقیقی بانک‌ها بر رشد اقتصادی (مطالعه تطبیقی ایران و مالزی)، *نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی*، ۸ (۲۶)، ۵۱-۶۷.

موسویان، سیدعباس (۱۳۸۴). ارزیابی قراردادهای شیوه‌های اعطای تسهیلات در بانکداری بدون ربا، *فصلنامه اقتصاد اسلامی*، ۵ (۱۹)، ۴۵-۷۰.

موسویان، سیدعباس (۱۳۸۵). بانکداری بدون ربا از نگاه شهید صدر (ره)، *فصلنامه اقتصاد اسلامی* (۶)، ۲۱، ۷۱-۱۰۱.

مولایی، محمدعلی؛ دهقانی، علی و حسین زاده، سمانه. (۱۳۹۴). رابطه بین مصرف انرژی و رشد تولید در بنگاه‌های بزرگ تولیدکننده وسایل حمل و نقل ایران (رهیافت علّیت گرنجر، تودا و یاماماتو و داده‌های تابلویی پویا)، *پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، ۵ (۱۹)، ۲۵-۴۰.

- Abduh, M., & Omar, M. A., (2012). Islamic Banking and Economic Growth: the Indonesian Experience, *International Journal of Islamic and Middle Eastern Finance and Management*, 5, (1), 35-47.
- Abduh, M., and Omar, M. A., (2012). Islamic Banking and Economic Growth: the Indonesian Experience, *International Journal of Islamic and Middle Eastern Finance and Management*, 5, (1), 35-47.
- Akbarian, R. and Jokar. K., (2015). The Impact of Islamic Banking on Economic Growth, *Journal of Islamic Economics and Banking*, 3(7), 7-40.
- Dadmarzi, S., (2000). The Concept of Contract in Civil Law, *Philosophical and Theological Research*, (4) 1, 59-74.
- Economic Statistics Reports, (2020). Central Bank of Islamic Republic of Iran.
- Fathi Aghababa, M., Azizi, K. and Mahmoudzadeh, M., (2020). Investigating the Effects of Banking Facilities on Economic Growth (Sustainable Approach). *Quarterly Journal of Economic Research and Policy*, 28 (94), 203-223.
- Friedman M. (1962). The Interpolation of Time Series by Related Series, *Journal of American Statistical Association*, 57 (300), 729- 757.
- Imam, P., & Kpodar, K., (2016). Islamic Banking: Good for Growth? *Economic Modelling*, 59, 387-401.
- Isazadeh, S. and Ahmadzadeh, A., (2009). Investigating the Effect of Institutional Factors on Economic Growth with Emphasis on Governance Institutions, *Iranian Economic Research*, 13, (40), 1-28.
- Jafari Samimi, A., Yahyazadehfar, M. and Najafpour, A., (2016). The Impact of Islamic Banking on Economic Growth in Selected Countries, *International Conference on Research and Development in Humanities, Management and Economics*.
- Jafarih, F. and Davoodi, P., (2014). An Institutional Approach to the Structuring of Power in the Internal Arena to Achieve a Resistance Economy, *Quarterly Journal of Planning and Budget*, 3 (12), Consecutive, 151-172.
- Jahangard, E. and Sarabadani Tafreshi, S., (2014). Investigation of Economic and Social Factors Affecting Tuberculosis in the Provinces of Iran (Dynamic Panel Data Approach), *Journal of Economic Modeling*, 8 (26), 21-36.
- Kalim, R., Mushtaq, A., & Arshed, N., (2016). Islamic Banking and Economic Growth: Case of Pakistan, *Islamic Banking and Finance Review*, 3 (1), 14-28.
- Kalim, R., Mushtaq, A., and Arshed, N., (2016). Islamic Banking and Economic Growth: Case of Pakistan, *Islamic Banking and Finance Review*, 3(1), 14-28.

- Khotijah, S. A., & Iswanaji, C., (2020). Analysis of the Effect of Murabaha Finance in Sharia Banks on the Economic Growth of Agricultural Sector, *Journal of Ekonomi dan Keuangan Syariah*, 4 (2), 246-259.
- Khotijah, S. A., and Iswanaji, C., (2020). Analysis of the Effect of Murabaha Finance in Sharia Banks on the Economic Growth of Agricultural Sector, *Journal of Ekonomi dan Keuangan Syariah*, 4(2), 246- 259.
- King, R. G., & Levine, R., (1993). Finance, Entrepreneurship and Growth, *Journal of Monetary Economics*, 32 (3), 513-542.
- King, R. G., and Levine, R., (1993). Finance, Entrepreneurship and Growth, *Journal of Monetary Economics*, 32 (3), 513-542.
- Lotfalipour, M., Azarinfar, Y. and Mohammadzadeh, R., (2012). Investigating the Impact of Government Expenditures on the Growth of the Agricultural Sector and the Total Iranian Economy, *Economics and Agricultural Development*, 2 (26), 86-96.
- Makinde, H. O., (2016). Effects of Banks Consolidation on Economic Growth in Nigeria (2004-2015), *Journal of Emerging Trends in Economics and Management Sciences*, 7 (3), 184-196.
- Makinde, H. O., (2016). Effects of Banks Consolidation on Economic Growth in Nigeria (2004-2015), *Journal of Emerging Trends in Economics and Management Sciences*, 7 (3), 184-196.
- Mankiw, Gregory, (2004). *Macroeconomics*, (Translated by Parsaiyan, A. et al.), Tehran, Allameh Tabatabai University Press.
- Mehrara, M., Ayin, S. and Hakamollahi, Y., (2019). The Effect of Granted Energy Consumption and Production Growth in Large Iranian Transport Companies (Comparative Study of Iran and Malaysia), *Journal of Islamic Economics and Banking*, 8 (26), 51-67.
- Mohammadnejad, N., Fitros, M. and Masoumi, M., (2015). Analyzing the Relationship between Bank Credit and Economic Growth, *Monetary and Financial Economics*, 2 (10), 1-21.
- Molaei, M., Dehghani, A. and Hosseinzadeh, S., (2015). The Relationship between Facilities and Real Interest Rates of Banks on Economic Growth (Granger, Toda and Yamamoto Causality Approach and Dynamic Panel Data), *Economic Growth and Development Research*, 5, (19), 25-40.
- Mousavian, S. and Meysamy, H., (2016). *Islamic Banking: Theoretical Foundations-Practical Experiences*, Tehran, Monetary and Banking Research Institute.
- Mousavian, S., (2005). Evaluation of Contracts and Methods of Granting Facilities in Interest-free Banking, *Islamic Economics Quarterly*, 5, (19), 45-70.

- Mousavian, S., (2006). Interest-free Banking from the Perspective of Shahid Sadr (RA), *Islamic Economics Quarterly* (6), 21, 71-101.
- Mustafa, H. W., (2018). The Effect of Islamic Finance on Economic Growth in Kenya (Doctoral Dissertation, University of Nairobi).
- Mustafa, H. W., (2018). The Effect of Islamic Finance on Economic Growth in Kenya (Doctoral Dissertation, University of Nairobi).
- Quarterly Reports of Iran's Economy, (2019). Statistical Center of Iran.
- Razavi, M. (2014). *Islamic Banking in Iran: A History of Performance and Planning*, Iran Banking Higher Education Institute Publications, Tehran.
- Samsami, H. and Amirjan, R., (2011). Investigating the Effect of Banking Facilities on Value Added in Industry and Mining, *Quarterly Journal of Economic Research and Policy*, 19 (59), 129-149
- Schumpeter J.A., (1934). *The Theory of Economic Development*, Cambridge, Harvard University Press.
- Schumpeter J.A., (1934). *The Theory of Economic Development*, Cambridge, Harvard University Press.
- Seifipour, R., (1389). Empirical Study of the Effect of the level of Financial Development on Economic Growth, *Journal of Financial Knowledge of Securities Analysis*, 3 (6), 49-70.
- Siddique, M. A. & et al, (2020). The Impact of the Islamic Banking Industry on Economic Growth and Poverty Reduction in Pakistan, Conference Paper, Islamabad.
- Siddique, M. A., et al, (2020). The Impact of the Islamic Banking Industry on Economic Growth and Poverty Reduction in Pakistan, Conference Paper, Islamabad .
- Tongurai, J. & Vithessonthi, C., (2018). The Impact of the Banking Sector on Economic Structure and Growth, *International Review of Financial Analysis*, 56, 193-207.
- Taherpour, J., Mohammadi, T. and Fardi Kalahroudi, R., (2019). The Effect of Distribution of Banking Facilities on Iran's Economic Growth; With Emphasis on Partnership and Exchange Contracts, *Islamic Economics Studies*, 12 (1), 151-176.
- Tongurai, J. and Vithessonthi, C., (2018). The Impact of the Banking Sector on Economic Structure and Growth, *International Review of Financial Analysis*, 56, 193-207.